فهرست

[مقدمه 2](#_Toc89688892)

[معنای اذا عرف الله من نیتک الصدق: 2](#_Toc89688893)

[احتمال اول: عدم قصد شهوت 2](#_Toc89688894)

[احتمال دوم: شهوت غیر اختیاری 2](#_Toc89688895)

[احتمال سوم: شهوت غیر استقلالی (تقریر شیخ انصاری) 3](#_Toc89688896)

[احتمال چهارم: شهوت غیر استقلالی (تقریر استاد) 3](#_Toc89688897)

[شواهد نظر چهارم: 5](#_Toc89688898)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / نکاح

# مقدمه

دلیل چهارم معتبره علی ابن سوید بود که از کافی نقل شده است که به امام کاظم عرض می‌کند «قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ ع إِنِّي مُبْتَلًى بِالنَّظَرِ إِلَى‏ الْمَرْأَةِ الْجَمِيلَةِ فَيُعْجِبُنِي النَّظَرُ إِلَيْهَا فَقَالَ يَا عَلِيُّ- لَا بَأْسَ إِذَا عَرَفَ اللَّهُ مِنْ نِيَّتِكَ الصِّدْقَ وَ إِيَّاكَ وَ الزِّنَا فَإِنَّهُ يَمْحَقُ الْبَرَكَةَ وَ يُهْلِكُ الدِّينَ»‏.[[1]](#footnote-1)

معنای «إِذَا عَرَفَ اللَّهُ مِنْ نِيَّتِكَ الصِّدْقَ»:

عرض شد در این روایت که محل بحث است و دو نظر کاملاً متفاوت در تفسیر این روایت در بین فقها وجود دارد جهاتی را باید بحث کرد که ابتدا درباره انی مبتلا بحثی انجام شد. بعد درباره یعجبنی که اعجاب از باب التذاذ عام از امور مستحسنه است یا التذاذ شهوانی مراد است. بحث سوم نقطه اصلی بود که «إِذَا عَرَفَ اللَّهُ مِنْ نِيَّتِكَ الصِّدْقَ» یعنی چه؟ طبعاً احتمالاتی که در «إِذَا عَرَفَ اللَّهُ مِنْ نِيَّتِكَ الصِّدْقَ» مطرح است مبتنی است بر مباحثی که در سؤال وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر در این جهت سوم که سؤال است من نیتک الصدق یعنی چه مبتنی بر این است که سؤال سائل از چیست؟ در این بحث عرض کردیم احتمالاتی وجود دارد بر اساس تفسیری که نسبت به سؤال به عمل می‌آید.

## احتمال اول: عدم قصد شهوت

احتمال اول این بود که مقصود از صدق عدم قصد شهوت باشد. چون یعجبنی مقصود تلذذ غیر شهوانی است. علی ابن سوید سؤال می‌کند که من در کارم دچار نظر به زنان خوش‌صورت هستم و مثل لذت بردن از تابلوی زیبا یا مرد زیبا چهره زن زیبا را نیز استحسان می‌کنم. امام در جواب می‌فرمایند اگر نیت تو صدق باشد اشکال ندارد. قرینه تقابل را نسبت به سؤال و آنچه در جواب است را باید مفروض بگیریم. اگر یعجبنی باشد صدق است و اگر یعجبنی نباشد غیر صدق است. این یک احتمال است. «إِذَا عَرَفَ اللَّهُ مِنْ نِيَّتِكَ الصِّدْقَ» یعنی وقتی در نیت تو امر شهوانی نباشد. سائل نکته خودش را می‌گیرد که یعجب یعنی اعجاب غیر شهوانی.

## احتمال دوم: شهوت غیر اختیاری

احتمال دوم این بود که من نیتک الصدق حمل شود برجایی که اعجاب شهوانی است ولی از باب غیر اختیار. صدق یعنی تعمد و اختیاری در نگاه شهوانی نداشتی. یعجبنی یعنی تلذذ شهوانی ولی انی مبتلا یعنی جایی که اختیار ندارم. کار خودم را می‌کنم و توجه نداشتم که مبتلا به این مسئله بشوم یا نه و به‌صورت غیر اختیاری تلذذ حاصل شد. حضرت می‌گویند اشکال ندارد. در اینجا حتی قصد قهری هم نبوده زیرا مسئله کاملاً اتفاقی رخ داده است. صدق یعنی جایی که حصول این تلذذ غیر اختیاری است. این صدق است. حتی جایی که قصد استقلالی ندارد ولی به شکل قهری قصدی دارد آن هم نقطه مقابل صدق است. این هم احتمال دوم.

## احتمال سوم: شهوت غیر استقلالی (تقریر شیخ انصاری)

احتمال سوم آنی است که مرحوم شیخ می‌فرمایند. مقصود از صدق عدم القصد الاستقلالی است. همین را در اذا عرف الله من نیتک الصدق قرار می‌دهد و می‌گوید این یعنی تو استقلالا این را قصد نکردی. نقطه مقابلش این است که کسی می‌داند در تعاملات زندگی مبتلا به نگاه به زنانی می‌شود که تلذذ هم حاصل می‌شود حال یا علم اجمالی دارد یا تفصیلی ولی واقعاً دنبال چشم‌چرانی نیست ولی آنجایی هم که احیاناً علم دارد و احتمال می‌دهد که تحریک شهوت شود و می‌تواند پرهیز هم بکند ولی اشکال ندارد. پس سه احتمال در صدق است:

1. قصد شهوت اصلاً نیست مثل نگاه به تابلوی زیبا. هرچه مقابل این باشد غیر صدق است. مثل قصد اضطراری شهوت و قصد ضمنی شهوت.
2. صدق یعنی آنجا که نگاهی که در آن تلذذی نیست یا اختیاری نیست.
3. صدق یعنی آنجایی که قصد استقلالی التذاذ نداری. صدق یعنی قصد شهوت نیست یا اختیاری اصلاً در کار نیست و سوم اینکه اختیار هست ولی استقلالا نیست.

پس در احتمال اول منطوق محدود است به‌جایی که قصد شهوت نیست احتمال دوم محدود است به‌جایی که اختیار نیست و جایی که شهوت در کار نیست را هم می‌گیرد. اما در احتمال سوم منطوق باز می‌شود و شامل می‌شود. هم جایی که قصد شهوت نیست هم جایی که اختیاری ندارد و عمدی نیست و هم جایی که توجه داشته و به شکل قصدی هم می‌داند حاصل می‌شود ولی استقلالا هدف نگرفته است. هر سه اینها را شامل می‌شود. و غیر صدق یعنی جایی که قصد تلذذ استقلالی داشته باشد و این را تحریم می‌کند. اما احتمال دوم و اول منطوق محدودتر می‌شود و مفهوم اوسع می‌شود. این نسبت مفهوم و منطوق است. این سه احتمالی است که در اینجا وجود دارد.

طبعاً از همین سخن معلوم است کسی اگر احتمال سوم را بگوید و بگوید نیتک الصدق یعنی عدم قصد استقلالی به تلذذ اگر اشکال نداشته باشد طبعاً دو قسم دیگر به‌طریق‌اولی اشکال ندارد. به این دلیل منطوق عام می‌شود. لازم نیست بگوییم کلمه آن را می‌گیرد. یا تعبیر صدق آنها را می‌گیرد یا اگر هم نگیرد به‌طریق‌اولی مشمول آنها می‌شود. اما برعکس درست نیست. اگر گفتیم صدق فقط نگاه غیر شهوانی را می‌گیرد دو نگاه دیگر را شامل نمی‌شود.

## احتمال چهارم: شهوت غیر استقلالی (تقریر استاد)

این سه احتمال برفرض این بود که بگوییم سؤال و جواب کاملاً بر هم تطابق دارد و یک تقابل است و می‌خواهد همه صور را در بربگیرد. این مفروض ما در این سه احتمال بود. اما احتمال دیگری هم وجود دارد و آن اینکه کسی بگوید سؤال همان یعجبنی به معنای نگاه غیرمتلذذانه است ولی چه کسی گفته صدق باید مقابل همان باشد؟ این نکته دقیقی است که به‌عنوان احتمال چهارم است و پایه‌اش از سه احتمال اول جداست. در سه احتمال اول می‌گفتیم صدق منطبق بر همان است که سؤال کرده. تقابل تعبیر تسامحی بود. صدق مبتنی بر همان باشد که راوی سؤال می‌کند. راوی از اعجاب غیر شهوانی سؤال می‌کند امام می‌گوید صدق. در احتمال دوم راوی از شهوت غیر اختیاری سؤال می‌کند امام می‌گوید صدق همین است در احتمال سوم از شهوت غیر استقلالی سؤال می‌کند امام می‌گوید همین صدق است. یعنی آنچه علی ابن سوید سؤال می‌کند را می‌گوید همان صدق است. در صورت اول می‌گوید صدق همان اعجاب غیر شهوانی است. در صورت دوم اعجاب شهوانی غیر اختیاری و غیرعمدی صدق است. در صورت سوم اعجاب و تلذذ شهوانی است که قهراً قصد شده و امام می‌گوید این صدق است. در هر سه صورت صدق را همان می‌بینیم که در سؤال علی ابن سوید مطرح کرده است. سه احتمال بود. بنا بر احتمال اول می‌گوید جایی که قصد شهوانی نیست و فقط نگاه به منظره زیباست. در صورت دوم علی ابن سوید می‌گوید قصد نداشتم حتی قصد قهری هم نبود نمی‌دانستم می‌شود. در صورت سوم می‌گوید می‌دانستم شهوت می‌شود ولی قصد استقلالی می‌شود. امام گویا می‌گوید همین‌که سؤال می‌گوید و اگر همینی که می‌گویی باشد اشکال ندارد.

اما احتمال چهارم این است که کسی می‌گوید من کار به سؤال او ندارم. امام جواب کلی‌تری می‌دهد. سؤال او هرچه می‌خواهد باشد. چه اعجاب غیر شهوانی چه اعجاب شهوانی که اختیاری نیست و چه اعجاب شهوانی قهری غیر استقلالی باشد. امام وقتی می‌گوید «لَا بَأْسَ إِذَا عَرَفَ اللَّهُ مِنْ نِيَّتِكَ الصِّدْقَ» کاری به سؤال راوی ندارد. خود من نیتک الصدق را باید معنا کنیم. راهش این است که نیت صادقه یعنی آنکه قصد استقلالی ندارد. نیت در کار است ولی نیت غیر شهوانی است. ظهور این نیت در نیت استقلالی غیر شهوانی است. پس سؤال سائل را کنار می‌گذاریم اگر امام می‌فرمود اذا کان الشخص فی نیته فی النظر الی غیر المحرم صادقا لابأس. این صادقا را بگوییم ظهور نیت در قصد استقلالی است و یعنی کاری که هدف گرفته و در این کار استقلالی‌اش راست می‌گوید و دنبال شهوت‌رانی و گناه نیست. امام این را جواب می‌دهد. حال سؤال او هرچه بود او جواب خود را می‌گیرد. سؤال هرچه باشد طبق این جواب داده می‌شود. لذا این احتمال چهارم مبنا را تغییر می‌دهد. این جواب جوابی است که فی حد نفسه می‌توان آن را معنا کرد و صدق همان حداقلی است یعنی قصد مستقل شهوانی ندارد. این صدق است. هر چه مقصود سائل باشد جواب را می‌گیرد.

لذا نمی‌خواهیم جواب را به سؤال سائل گره بزنیم. می‌گوییم اذا عرف الله من نیتک الصدق قرائنی دارد که ظهور در همان قصد استقلالی است و من نیتک ظهور عرفی‌اش در این است که آن را هدف گرفته است. برای آن کار را انجام می‌دهد. اگر در اینکه برای چه انجام می‌دهید صداقت دارید و شهوت در کار نیست اشکال ندارد. این یا احتمال چهارم است یا تقریر دیگری از احتمال سوم است. به نظرم این قابل دفاع است. می‌گوید در اقدام هدفمند تو صداق است و شهوت‌رانی و لذت‌جویی نیست.

سؤال: ابتلا را چه معنا می‌کنید

جواب: هرچه می‌خواهید معنا کنید. در این احتمال میگوییم اصلاً سؤال مجمل است و نمی‌دانیم علی ابن سوید از اعجاب غیر شهوانی سؤال می‌کند یا از اعجاب شهوانی که غیر اختیاری و ناگهانی حاصل شد سؤال می‌کند یا از جایی که قصد شهوانی استقلالی ندارد سؤال می‌کند. درهرصورت جواب می‌گوید وقتی قصد غیر استقلالی باشد این صدق است.

سؤال: در سؤال و جواب مفروض این نیست که منطبق باشد.

جواب: نه. آنچه مهم است جواب سؤال سائل است ولی لازم نیست انطباق بر هم نیز داشته باشند. امام می‌گوید اگر قصد تلذذ استقلالی ندارد کارش درست است.

سؤال: راوی هم باید فقیه باشد.

جواب: نه این بحث عرفی است. امام می‌گوید قصد تلذذ استقلالی نباشد اشکال ندارد. ما می‌گوییم جواب باید ناظر به جواب باشد و راوی بفهمد ولی لازم نیست انطباق صد درصد داشته باشد. راوی از صورتی سؤال می‌کند امام جواب کلی‌تری می‌دهد که سؤال راوی هم جواب داده می‌شود.

پس در این احتمال چهارم می‌گوییم مقصود از منطوق جایی است که قصد استقلالی او شهوت نباشد. حال شهوت یا قصد قهری اوست یا حالت غیر اختیاری یا اعجاب او غیر شهوانی است. پس تأکیدداریم نیت یعنی قصد استقلالی. در قصد استقلالی تو صدق است یعنی شهوت نیست.

سؤال: مفهوم یک حال می‌شود و بقیه در منطوق است

جواب: منطوق می‌گوید نیت استقلالی شهوت نباشد در این صورت اشکال ندارد.

سؤال: شامل قهری هم می‌شود و خود منطوق است.

جواب: ما می‌گوییم اذا عرف الله من نیتک الصدق یعنی نیت تو قصد استقلال شهوت در آن نباشد. حال به‌طریق‌اولی آنجا که غیر اختیاری است در منطوق می‌آید و به‌طریق‌اولی اعجاب غیر شهوانی را در برمی‌گیرد.

حال این یا احتمال چهارم است یا احتمال شیخ را با تقریر جدیدی می‌گوییم. در این احتمال که امام می‌گوید اذا عرف الله من نیتک الصدق و امام جایی را قرار می‌دهد که نیت استقلالی او شهوت نیست و به‌طریق‌اولی آن دیگران را هم می‌گیرد و منطوق آنهاست. منطوق دایره وسیعی دارد وقتی امام می‌گوید نیت استقلالی غیر شهوانی درست است قطعاً دو مورد دیگر را به‌طریق‌اولی می‌گیرد. پس جواب بقیه را یا به منطوق واضح یا به فحوایی که واضح است آنها را نیز دریافت می‌کند.

## شواهد نظر چهارم

شواهدی که برای نظر چهارم آوردیم اینها بود:

1. این بود که چه کسی گفته باید تطابق سؤال و جواب به‌صورت کامل باشد.
2. اینکه ظاهر نیت یعنی قصد استقلالی.
3. احتمال زیاد سؤال هم همین است زیرا «إِنِّي مُبْتَلًى بِالنَّظَرِ إِلَى‏ الْمَرْأَةِ الْجَمِيلَةِ فَيُعْجِبُنِي النَّظَرُ إِلَيْهَا» بعید است اعجاب غیر شهوانی باشد و از طرف دیگر اینکه مبتلای به این هستم متفاهم عرفی این است که وقتی ابتلای مستمر باشد قصد قهری قطعاً هست. لذا با مجموعه شواهد احتمال سوم را تقویت می‌کنیم. ممکن است کسی بخواهد احتیاط کند بحث دیگر است.
4. ضمن اینکه در نگاه قصد قهری شاید سیره باشد که اشکال ندارد. این نوع قصد قهری که می‌داند در مجموعه رفت‌وآمدها بگوییم باید رعایت کند معنایش اختلال نظام است. لذا این سیره هست خود شیخ هم به این اشاره می‌کند. درهرحال آنچه از این روایت استفاده می‌کنیم بهترین دلیلی است که به لحاظ منطوقی می‌گوید من نیتک الصدق و اگر قصد استقلالی شهوت باشد اشکال دارد. هر عملی که تلذذ شهوانی در آن باشد اشکال دارد.
1. . [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج20، ص308، أبواب أبواب النكاح المحرم وما يناسبه، باب1، ح3، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/20/308/%D8%A7%D9%84%D9%92%D8%A8%D9%8E%D8%B1%D9%8E%D9%83%D9%8E%D8%A9%D9%8E) [↑](#footnote-ref-1)